

## جنبش 18 شهریور 57 کارگران ایران در ترازوی سی و یکساله جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی و جنبش زحمت کشان ایران

سخن روز - بمناسبت یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر

اینچنین بنظر میرسد که جنگ تقسیم قدرت بین جناحهای قدرت رژیم مطلقه فقهاتی که از مبارزات انتخاباتی دولت دهم رو به اعتلا گذاشت و در مرحله پس از اعلام نتیجه انتخابات دولت دهم از روز 23 خرداد به نقطه اوج خود رسید- ( ) از بعد از اینکه جنبش اجتماعی 22 خرداد در عرصه تظاهرات روز قدس و 13 آبان و 16 آذر و مراسم تشیع جنازه منتظری و روز عاشورا با مطلق کردن تضادش با حاکمیت مطلقه فقهاتی و با طرح شعارهای استقلال - آزادی - جمهوری ایرانی - و نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران و مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر اصل ولایت فقیه از مرحله شعار ابطال انتخابات 22 خرداد و نفی دولت دهم عبور کرد و کلیت حاکمیت مطلقه فقهاتی حاکم را به چالش کشید و رفته رفته فرایند عبور از هژمونی جناح رقیب تحت رهبری موسوی - کروبی - خاتمی - هاشمی رفسنجانی از سرگرفت و میرفت تا با نفی هژمونی جناح رقیب با جنبش دانشجویی که لایق ترین و صالح ترین رهبری برای او می باشد و جنبش کارگری ایران که تنها رهبری و هژمونی است که می تواند جنبش اجتماعی 22 خرداد را تا پایان راه هدایت نماید)

رفته رفته با عقب نشینهای سیاسی جناح رقیب از شعارهای گذشته خود ( که عبارت بود از: الف - ابطال انتخابات 22 خرداد و تجدید انتخابات دولت دهم. ب - نامشروع بودن دولت احمدی نژاد و تلاش جهت بر کناری آن. ج - تلاش جهت ریزش قدرت از بالا به پائین یا حداقل وادار کردند راس قدرت مطلقه فقهاتی به تقسیم باز تقسیم قدرت از راس هرم قدرت مطلقه فقهاتی تا قاعده آن. با اعلام شعارهای جدید آلترناتیوی که عبارت میباشد از:

- 1- تائید تلویحی دولت احمدی نژاد
- 2- تائید انتخابات 22 خرداد
- 3- تائید نظام فقهاتی همراه با تائید انقلاب فقهاتی 22 بهمن 57
- 4- تائید قانون اساسی نظام فقهاتی بر پایه تائید تمام عیار اصل ولایت مطلقه فقهاتی آن
- 5- اعلام جمهوریت لوئی جرگه ائی یا اریستوکراسی فقهاتی جهت به مشارکت وادار ساختن جناح فاشیستی سوار بر قدرت با جناح رقیب (

رو به افول گذاشته و جناح فقهاتی حاکم با تکیه بر فاشیستی ترین جناح راست در عرصه های سیاسی و قضائی و پلیسی و نظامی و ... سعی می کند توسط ترنند چماق و هویج خود ( که از جریان سناریوی عکس سوزی 16 آذر شروع گردید و به خیمه شب بازیهای تبلیغاتی عاشورا در عاشورای 88 ادامه پیدا کرد و بالاخره با راه پیمائی دولتی و قشون کشی فقهاتی نهم دیماه به اوج خود رسید و از دستگیری روزمره نظام پلیسی فقهاتی تا شکنجه و کشتار و اعتراف گیری و بالاخره شانتاژهای ضد هویتی - تبلیغاتی شبانه و روزی بر علیه سران جناح رقیب از هاشمی رفسنجانی تا موسوی و کروبی و خاتمی و یوسفی صناعی و سید حسن خمینی و ... و از ضرب و شتم و تهدید جانی و به آتش کشیدن و پلمپ پایگاههای سنتی و مذهبی آنها از حسینییه جماران خمینی گرفته تا مسجد آتشین دستغیب شیراز و مسجد سید اصفهان طاهری و ... و بموازات آن از نسل کشی و قتل عام جنبش اجتماعی در عرصه تظاهرات خیابانی از 25 خرداد به بعد تا حملات مغول وار سراسری به جنبش دانشجویی و ... ادامه داشته است ) با چراغ سبز نشان دادن گاه وگاه رهبری مطلقه فقهاتی توسط پیام های خود با دیپلماسی محسن رضائی و علی لاریجانی و ... بین جنبش اجتماعی 22 خرداد و جنبش دانشجویی رهبری کننده آن با هژمونی جناح رقیب فاصله بیاندازد ( تا با شعار رهبری "خواص باید بصورت شفاف موضع گیریهای خود را با فتنه موجود روشن کنند " جناح رقیب مدعی هژمونی جنبش اجتماعی را وادار سازد تا دوباره با:

- قبول هژمونی ولایت مطلقه فقهاتی
- تائید دولت احمدی نژاد
- حمایت از رژیم فقهاتی حاکم (

زمینه باز خوانی جناح رقیب بر سر سفره تقسیم باز تقسیم قدرتهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و ... گرگها فراهم کند که حمایت سران جناح رقیب و رقص گرگها جهت شرکت یکدست در راه پیمائی 22 بهمن 88 ( از دعوت خاتمی و دعوت هاشمی رفسنجانی در حمایت راه پیمائی واحد 22 بهمن گرفته تا پلاتفرم پنج ماده ائی موسوی که بصورت

تلویحی دولت احمدی نژاد را و انتخابات 22 خرداد را تأیید کرده است و از شعارهای قبلی خود که عبارت بود از ابطال انتخابات 22 خرداد و نفی دولت احمدی نژاد و اعلام دوباره انتخابات دولت دهم عقب نشینی کرده است و بالاخره حمایت تلویحی کروی از دولت احمدی نژاد و نظام فقاهتی حاکم در مصاحبه بعد از لویی جرگه حزب مردم سالار و مشایعت سید حسن خمینی از خامنه ای و احمدی نژاد در روز 12 بهمن در مقبره ... همه محصول این عقب نشینی عریان جناح رقیب در برابر جناح فاشیستی سوار بر قدرت حاکم میباشد که در عرصه انحصارگرایی قدرت حتی حاضر به اعطای یک صندلی فرهنگستان هنر به موسوی نشدند ( واکنش مثبت آنها می باشد ) البته تنها عقب نشینی جناح فاشیستی انحصارگر سوار بر قدرت حاکم مناظرات افشاگرانه کانال 3 تلویزیون بود که رفته رفته پس از اینکه نظام مطلقه فقاهتی احساس کرد که ممکن است افشاگریهای محصول این مناظرات به سوراخ کردن نظام مطلقه فقاهتی بیانجامد که حاصل آن جاری شدن سیل و آب بردن تاک نشان خواهد بود این مناظرات را بدل به مذاکره بین جناحهای قدرت ساخت ( البته جنگ تبلیغاتی و افشاگرانه و بگیر ببند و شاخه شونه کشیدن جناحهای رقیب قدرت پایانی ندارد و هر زمان امکان شعله ور شدن دوباره جنگ فوق وجود دارد چراکه بقول لنین " گاز گرفتن اسبهای درشکه در سر بالائیهای تقسیم قدرت یک امر طبیعی می باشد و تا زمانیکه حاکمیت بر اثر رشد این تضادهای داخلی امکان حکومت کردن بر توده ها را از دست ندهد این جنگ داخلی قدرت بین جناحهای حاکمیت ادامه خواهد داشت و همین جنگ داخلی جناحهای قدرت است که بالاخره زمینه نفی نهائی آنها را فراهم می کند و عامل ریزش قدرت از بالا به پایین بجای تقسیم قدرت بین بالائیها میشود " اما آنچه در این بازار پر آشوب باز تقسیم قدرت از بعد از انتخابات دولت دهم برای تمامی جناحهای قدرت روشن گردید این حقیقت بزرگ است که باید بین مبارزات جناح رقیب برای باز تقسیم قدرت و جنبش اجتماعی 22 خرداد و جنبش دانشجویی فرق گذاشت ( چراکه بر عکس ادعای جناح رقیب که معتقد است که جنبش اجتماعی 22 خرداد و جنبش دانشجویی تحت پوشش جنبش سبز اهرم فشار در دست خود جهت چانه زنی قدرت در بالا می باشد ) این جنبش در پروسه مبارزاتی ده ماهه اخیر ثابت کرده است که حقیقت زنده ائی است مستقل از بازی قدرت در بالائیها که بر پایه مبارزه جهت نیل به خواستهای تاریخی خویش پیش می رود و گرچه گهگاهی این جنبش بنا به مقتضیات سیاسی خود از شعارهای جناحهای حاکمیت برای پیش برد تاکتیکی حرکت خود حمایت می کنند ولی در تحلیل نهائی حمایت آنها از جناحهای حاکمیت یک حمایت بدون قید و شرط و تعریف نشده نیست و بعنوان چک سفید امضا در دست جناح حاکم نمی باشد بلکه بلعکس حمایت آنها از شعارهای جناح رقیب در کانتکس خواسته های تاریخی خود میباشد لذا در صورتیکه جناح رقیب از شعارهای خود عدول نماید این جنبش بدون هیچگونه وابستگی تاریخی آن خاکریزها را پشت سر می گذارد و براه خود ادامه خواهد داد و این خطر بزرگی است که تمامی جناحهای رقیب قدرت در بالائیها بخصوص از بعد از تظاهرات قدس و 13 آبان و 16 آذر و تشیع جنازه منتظری و عاشورای 88 تهدید کرده است و در همین رابطه است که جهت جلوگیری از عبور جنبش اجتماعی از آنها و ممانعت کردن از پیوند جنبش اجتماعی با جنبش دانشجویی و جنبش کارگری ایران جناحهای مدعی قدرت بالا سعی می کنند تا دوباره مانند دهه 60 جهت قلع و قمع کردن جنبش اجتماعی و جنبش سیاسی و جنبش دانشجویی و ... در کنار هم قرار گیرند البته شانس بزرگی که رژیم مطلقه فقاهتی در عرض این سی و یکسال حکومت خود بدست آورده و عامل اصلی ماندگاری او تا کنون شده است عدم پیوند جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی با جنبش کارگری ایران میباشد چرا که تا زمانیکه جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی با جنبش کارگری ایران پیوند پیدا نکند هرگز جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی امکان تاثیر گذاری استراتژیک بر ساختارهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و پلیسی حاکمیت مطلقه فقاهتی جهت ریزش قدرت از بالا به پایین نخواهند داشت و هر زمان امکان سرکوب آنها توسط سیستم و ماشین پلیسی - نظامی حاکمیت مطلقه فقاهتی وجود دارد فقط تنها زمانی امکان هرگونه سرکوب سراسری از ماشین سرکوب پلیسی - نظامی حاکمیت مطلقه فقاهتی گرفته خواهد شد که بین جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی با جنبش کارگری پیوند تنگاتنگ بوجود آید و جنبش کارگری ایران مانند 18 شهریور سال 57 بتواند برای بار دیگر هژمونی جنبش اجتماعی را بدست گیرد ( در آن صورت است که آنچنانکه پارسونز سفیر انگلیس در 18 شهریور به شاه گفت با به صحنه آمدن جنبش کارگری و بستن شیرهای نفت او باید از ایران برود و با رژیم 2500 ساله شاهنشاهی توتالیتار خداحافظی کند ) بنا براین بزرگترین آفت جنبش اجتماعی 22 خرداد و جنبش دانشجویی 18 تیر در عرصه آسیب شناسی و آناتومی و جراحی آن در شرایط فعلی همین سکتاریسم جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی از جنبش کارگری ایران می باشد و در همین رابطه است که تا زمانیکه ما نتوانیم پاسخی مناسب و تئوریک برای این سوال فربه و استراتژیک خود پیدا کنیم که: " چرا آنچنانکه موسوی در راه پیمائی چهار میلیون نفری 25 خرداد تهران تهدید می کرد که این جنبش بزودی با جنبش کارگری ایران پیوند پیدا خواهد کرد " تا کنون چنین اتفاقی رخ نداده است؟ و جنبش کارگری ایران در این مدت ده ماهه بعد از انتخابات 22 خرداد نه تنها صحنه گردان جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی نمی باشد بلکه بلعکس تنها بعنوان تماشاچی مسابقه و مناظره و جنبش اجتماعی با حاکمیت باقی مانده است؟

تا زمانیکه ما نتوانیم برای این سوال تاریخی یک پاسخ علمی و تئوریک پیدا کنیم چندان امید بخشی در انتظار جنبش اجتماعی 22 خرداد و جنبش دانشجویی 18 تیر نخواهد بود و باز هر زمان زمینه برای سرکوب سراسری این

جنبش توسط ماشین پلیسی - نظامی رژیم مطلقه فقهاتی آماده خواهد بود آنچنان سناریوی که رژیم مطلقه فقهاتی در 18 تیرماه 68 انجام داد .

و این یکی از مشخصات روانشناسی جنبش اجتماعی ایران می باشد که از بعد از هر سرکوب سراسری مدتی این جنبش دچار رکود و خمود می شود و به محاق و خسوف و کسوف میرود و با کسوف این جنبش استکه شرایطی دو باره برای حاکمیت مطلقه فقهاتی فراهم می گردد تا به بازسازی مجدد خود بپردازد. اگر جنبش اجتماعی 17 شهریور در سال 57 توانست دودمان 2500 ساله نظام شاهنشاهی ایران را در هم بپیچد بعلت پیوند آن جنبش در تاریخ 18 شهریور 57 با جنبش کارگری ایران برهبری جنبش کارگران صنعت نفت خوزستان بود. اگر در سال 57 جنبش کارگری وارد صحنه مبارزه با رژیم توتالیتر شاه نمی شد هزار برابر جنبش اجتماعی 17 شهریور و مراسم چهلم قم و یزد و تبریز و غیره نمی توانست رژیم شاه را به پائین بکشد و پایان 2500 سال رژیم شاهنشاهی را در ایران اعلام کند رمز پیروزی جنبش ضد استبدادی سال 57 نه از تفنگ جریانی میگردد و نه از پیامهای نواری و نه از عکس در ماه و نه از رهبری روحانیت و بازار و ... عبور می کند بلکه بلعکس رمز پیروزی جنبش اجتماعی ضد استبدادی 22 بهمن 57 در یک کلمه بعلت رهبری جنبش کارگری ایران از 18 شهریورماه 57 بر جنبش اجتماعی ایران می باشد زیرا این رهبری سراسری طبقه کارگری ایران بود که شیرهای نفت را بست و تمام کارخانه های تولیدی را به تعطیلی کشانید و گلوی اقتصادی شاه را تا مرگ در هم فشرد. لذا تا زمانیکه در عرصه پاتولوژی و آسیب شناسی 31 ساله جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی از 57 تا کنون نتوانیم یک پاسخ صحیح و تئوریک برای این سوال بدست آوریم صد بار دیگر هم که جنبش اجتماعی ما قیام کند صد برابر اینهمه زندانی و کشتار و شکنجه و ... که جنبش اجتماعی و جنبش سیاسی و جنبش دانشجویی ما از سال 57 تا کنون داده است هم بدهیم باز کلنگ میرزا آقاسی به آب نخواهد رسید تنها دست آورد این جنبش ها وجه معامله یا وجه المصلحه قرار گرفتن جنبش های فوق توسط جناحهای قدرت خواهد بود.

پس تنها یک راه برای پیشرفت و اعتلای جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی ما در این شرایط تند پیچ تاریخی وجود دارد فقط یک راه و آن پیدا کردن پاسخ این سوال استراتژیک که:

چرا جنبش کارگران ایران از سال 57 تا کنون مدت 31 سال استکه سر در جیب مراقبت فرو برده است و از صحنه زمان غایب است ؟

چرا مدت 31 سال استکه جنبش کارگری ما ( در شرایطی که جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی ما تمامی خاکریزهای تاکتیکی صنفی و اقتصادی و اجتماعی پشت سر گذاشته و در عرصه جولانگاه سیاسی رژیم را به چالش می کشد) هنوز گرفتار مبارزه صنفی می باشد و یک گام از مبارزه صنفی خود در این مدت 31 ساله فاصله نگرفته است ؟

چرا مدت 31 سال است که جنبش کارگری ایران بعنوان تماشاگر بیرون صحنه سیاست ایستاده و تنها در عرصه مبارزه صنفی به کف زدن از برای جنبش اجتماعی ایران مشغول می باشد؟

چرا جنبش کارگری ایران که در عرض 24 ساعت از حادثه میدان ژاله در 17 شهریور 57 بصورت یکدست وارد مبارزه سیاسی شد هنوز در مدت 31 سال بعد از آن نتوانسته است حداقل وحدت صنفی - طبقاتی خود را بدست آورد و همین عدم وحدت درون طبقاتی باعث گردیده است تا هر بخشی از جنبش کارگری ایران بصورت انفرادی وارد جنبش سیاسی - صنفی یا صنفی - سیاسی بشود که خود این عامل و زمینه برای سرکوب رژیم فقهاتی آماده ساخته است؟ ( آنچنانکه این موضوع در سرکوب کارگران اتوبوس واحد تهران یا کارگران نیشکر هفت تپه یا کارگران لاستیک سازی البرز و ... دیدیم )

چرا فعالیت سندیکائی طبقه کارگر ایران در عرض این 31 سال هنوز نتوانسته به یک تشکیلات سراسری هدایتگر صنفی طبقه کارگر بدل گردد ؟

چرا و چرا و چرا ؟

پیش بسوی پیوند جنبش اجتماعی 22 خرداد و جنبش دانشجویی 18 تیر با جنبش کارگری 18 شهریور ماه 57 پیش بسوی اعتلای جنبش کارگری 18 شهریور ایران از طبقه انی در خود به طبقه انی برای خود

پیش بسوی اعتلای جنبش کارگری 18 شهریور ایران از مرحله صنفی بمرحله های صنفی - سیاسی و مرحله سیاسی - صنفی

پیش بسوی تحول ذهنی طبقه کارگر ایران بر پایه خودآگاهی اعتقادی و خودآگاهی اجتماعی و خودآگاهی طبقاتی توسط نشر مستضعفین ایران

پیش بسوی پیوند طبقاتی جنبش 18 شهریور کارگران ایران توسط ارگان حزبی نشر مستضعفین ایران زنده باد جنبش صد ساله طبقه کارگر ایران از مشروطیت تا سال 89

مبارک باد یکصدمین سال جنبش کارگران ایران سر سلسله جنبان جنبش خلق ایران از آغاز تاکنون

زنده باد رهبری جنبش کارگران ایران بر جنبش های اجتماعی و دانشجویی ایران

بر افراشته باد پرچم پیوند طبقه کارگر ایران با دیگر اقشار زحمت کش ایران

سلام بر کارگران ایران

سلام بر زحمت کشان ایران

سلام بر دانشجویان ایران

سلام بر زنان ایران

سلام بر معلمان ایران

سلام بر خلق همیشه بیدار ایران

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد پلورالیسم اجتماعی - سیاسی - عقیدتی و اطلاعاتی

والسلام